

## ((( تفکر و تدبیر )))

بزرگترین سرمایه بشر و با ارزش ترین کالای انسانیت حقیقت خواهی و آمیخ جوئی است . حق توهر گرانبھائی است که باید درصدف دلها جای داده شود و از آنچه که سبب نقص و نابودی آنست اجتناب گردد . اگر مردمی خواهان حقیقت باشند از آسایش زندگی بهره مند و از کامرانیها برخوردار خواهند بود . چو آزادگان زیست میکنند و در برخورد با دشواریهای طبیعت پیروز میشوند . حق یعنی "کار شایسته ، حزم و احتیاط ، عدل و یقین ، موجود ثابت ، ضد باطل ، صرفهستی اگر مورد توجه قرارگیرد خود ملکات فاضله و خصائل ستوده درانسان بوجودمی آورد ، انسان با شرافتیکه ذاتا دارد نباید خواهان دون خود باشد و بهیست تر از خویش دل به بندد و آنچه شایسته است که انسان با شرف از آن حمایت کند حقیقت است اینک بزرگترین حقیقت خواه جهان پیغمبر اسلام ص فرمود التوحید ثمن الجنة یکانه پرستی بهای بهشت خوشبختی است یا فرمود بالتوحید حرم اجسادامتی علی النار بسبب یکانه پرستی است که بدنهای بیروان من از آتش خشم خداوند بدور است و یا حضرت باقر فرمود ما من شیئی اعظم ثوابا من شهادة ان لا اله الا الله هیچ چیز مزدش بزرگتر و بیشتر از گواهی یگانگی و یهتائی خدا نیست . این فرمودهها برای آنست که توحید حق است و بحق شایسته حمایت میباشد .

در حقیقت توحید (چنانچه رانسانی عقل و حکومت خرد پذیرفته شود) تمسك بدو بیت از منظومه حکیم سبزواری کافی است که میگوید (صرف الوجود کثرة لن تعرضا - لانه اما التوحد اقتضا - فهو والا واحد ماحصلا - اوکان فی وحدته معللا) «کثرت و تعدد هیچگاه بصرف هستی عارض نمیشود برای اینکه صرف هستی با بذات خود خواهان یگانگی یا تعدد هست بانیست اگر خواهان یگانگی باشد مقصود ما از توحید حاصل است و اگر فقط خواهان کثرت بود وحدت وجود پیدا نمیکند زیرا چنین انگاشتیم که هستی بذات خود خواهان یگانگی نیست و خواستار کثرت است ، چون کثرت از چند وحدت پدید میآید یقین با نبود وحدت کثرتی هم وجود نخواهد داشت و هرگاه هستی نظر بذاتش نه مقتضی یکنوائی و نه خواهان چندتائی

باشد بلکه وحدت بواسطه امر خارجی عارض ذات هستی شود هستی در یگانگی  
خود معلل بغیر خواهد بود > ( اجمالی از سیر آفاق )

باری چون در حق جوئی منحصر باید قوه عقلانی را بکار واداشت و چشم  
و گوش و دست و پا و سایر قوای ظاهره و هر قوای باطن از عمال عقل محسوبند  
از اینرو در آیه سوم سوره ملک فرمود *فارجع البصر هل ترى من فطور ثم*  
*ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر >* تو (ای جوینده حق)  
دیده بآسمان بازگردان آیا ( در استواری کارهای ما ) نقصانی می بینی ؟ پس بار  
دیگر بی دربی ( بنظر عیبجوئی و نقص خواهی ) نگاه کن ( بشکرچگونه ) دیده  
تو ( چون خلل و نامناسبی در آفرینش ما نمی یابد ) زبون بر میگردد >

آری با توجه بآسمان معلوم شد که در این فضای غیرمتناهی سنگهایی بنام  
سنگهای آسمانی که اجتماع آنها توده‌هایی بشکل بیضی تولید میکنند درحرکتند  
و خورشید آنها را بقانون جاذبه جذب کرده آنها دور آن بیضی را که خورشید  
در یک کانون آن واقع گردیده می پیمایند و از نظر باین سقف نیلگون کشف شد  
که در فضا کهکشانهایی است که هر یک از اجتماع میلیونها ستارگان تشکیل یافته،  
توده‌های ابرمانندی هم بنام سحابیهای کهکشانی یا سحابیهای مارپیچی در خارج  
از کهکشان ما قرار گرفته اند که هر یک از آنها کهکشان مستقلی میباشد .

علماء هیئت میگویند مشهور ترین کهکشانها کهکشان *امراه السلسله* است که  
بشکل ستاره کم نوری در زمین دیده میشود، این کهکشان که از همه کهکشانها  
بزمین نزدیکتر است بمقدار هشتصد هزار سال نور از ما فاصله دارد و ابعاد این  
کهکشان از ابعاد کهکشان ما بزرگتر است اما بزرگی کهکشان ما اجمالا بقدریست  
که خورشید با منظومه خود یکی از ستارگان متوسط کهکشان محسوب و در داخل  
استوای کهکشان بفاصله سی هزار سال نور از مرکز آن واقع شده امروز ستارگان  
این کهکشان بالغ بر دوست هزار میلیون عدد تخمین زده میشود .

چون اینگونه صنایع معیر العقول در فضای نامتناهی وجود دارد و برای افراد  
بشر هم توانائی کشف آن بود از اینرو فرمان ( *فارجع البصر* ) صادر گردید تا بنابگفته  
حکیم *بزرگ بوعلی سیناء* و حکمای پس از او، خواص و اهل حق با توجه بصرف  
وجود بهستی موجود بالذات بی برند و عموم مردم از هستی آنهاهم مصنوعات متقنه  
بهستی بالذات صانع دانا و توانا گواهی دهند و اهل عرفان ببیزان توانائی خود  
بحکمت هر ذره از ذرات موجودات فکر کنند و بنور باطن و روشنائی دل نورابداع  
را در نهاد هر ذره مشاهده نمایند

باید اعتراف کرد که آنچه در این مقاله و مقاله پیشین تحت عنوان ( اجمالی



از سیر آفاق) گفته شد در حکم عدم بوده حتی نمونه بسیار کوچک و ناچیزی هم از میلیارد ها موجود آسمانی بحساب نمی آید چون بیش از این سخن در اطراف ( تفکر و تدبیر ) موجب افزایش ملالت است از اینرو بفرست اجمالی سیر آفاق وانفس گفته مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی اکتفاء کرده عین فرموده او را ذیلا نقل میکنیم ( آیات آفاق عبارت است از معرفت موجوداتی ساری الله چنانکه هست و حکمت در وجود هر یک بقدر استطاعت انسان مانند علم هیئت افلاک و کواکب و حرکت و اوضاع هر یک و مقادیر اجرام و ابعاد و تاثیرات آن و هیئت عالم سفلی و ترتیب عناصر و تفاعل ایشان بحسب صور و کیفیات و حصول امزجه و ترکیب مرکبات معدنی و نباتی و حیوانی و نفوس سماوی وارضی و مساوی حرکت و آنچه از ایشان و در ایشان واقع باشد از مبینات و مخالفات و خواص مشارکات و آنچه بدینجهت تعلق دارد از علم اعداد و مقادیر و لواحق آن. اما آیات انفس از معرفت ابدان وانفس باشد بعلم تشریح... و علم باحوال مانند صحت و مرض و معرفت نفوس و کیفیت ارتباط آن بر ابدان... )

اینها فهرستی است از مبادی سیر آفاق وانفس که بعقیده عارف، تامل و تفکر در این امور لازم است تا نور حقیقت را در دل آنها مشاهده نماید و بدیده یقین حق را در تمام نشانهای هستی به بیند .

مرحوم امام محمد غزالی در باره ( تفکر ) میگوید ، حقیقت تفکر درخواست علم غیر بدیهی است از مقدمات معلومه ای که انسان را بآن علم نظری برساند چنانکه اگر انسان بیندیشد که آخرت جاوید و دنیا در گذر است از این اندیشه انسان یقین میکند که آخرت از دنیا بهتر است و یقین مزبور انسان را بکار آخرت بر می انگیزاند پس تفکر سبب توجه با آخرت گردید و این توجه باعث شد که انسان بکار آخرت بپردازد ، غزالی از این گفته چنین نتیجه میگیرد ( فالنفرک موجب لتنور القلب و خروج من الغفلة و اصل لجميع الخیرات ) « بنا بر این تفکر سبب میشود که دل نورانی و انسان از ناآگاهی بدور باشد و تفکر ریشه و اساس همه نیکیها است » مرحوم علامه مجلسی میگوید اثر تفکر در آفرینش و استواری آفرید شدگان و مصلحتهایی که در کارهای جهان هست علم بوجود آفریننده و توانایی و تدبیر اوست و توجه جهان و انقلابات و تغییرات و زوال افراد پس از اینکه لباس هستی پوشیدند موجب میشود که انسان دل از هر چیزیکه فناپذیر است بر کند و بکلی بسوی حق و حقیقت علاقمند گردد همچنین اگر در حالات گذشتگان و بریده شدن دست آنان از دنیا و آنچه که در آنست و برگشتشان بجهان دیگر تفکر شود اینگونه تفکر نیز باعث قطع علاقه از غیر خدا و ارتکاب بطاعت و تقوی خواهد شد .